



**شورای عالی حوزه علمیه قم**

**مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران**

**مدرسه علمیه الزهرا(سلام الله علیها)یزد**

**پژوهش درسنامه نگارش و ویرایش (ادبیات1)**

**\*‍‍‍‍‍‍‍‍‍ جایگاه زن دراسلام \***

استاد راهنما : سرکار خانم نخکش

تهیه وتنظیم : زهرا دبیری - زهرا یوسف زاده

آذرماه 1395

#  تقدیم به تو :

 \*که سرور و مقتدای تو فاطمه (س) است

 \*و امید وخواستار تو ،رهروی راه زینب (ع)

 \*تو را با اسلام عزیز پیوندی راستین است

 \*و با قران و سنت انسی آمیخته با خون

 \*سرمایه تو شرف اسلامی است

 \*و روح تو شاداب از قداست قرآنی

#  بدان امیدم که :

 \*رشد یابنده باشی و رشد آفرین

 \*الهام بخش نسل اسلامی باشی

 \*و حافظ ارزش ها و تعالیم الهی

 \*که اسلام را از تو چنین توقعی است .

#  حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

#  رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرمایند:

 \*اسلام طرفدارتکامل بشر است.

 \*برای اسلام جنس زن ومردمطرح نیست.

 \*تکامل انسانی مطرح است.

 \*به یک مناسبت از زن تجلیل می شود،

 \*به یک مناسبت از مرد تجلیل می شود.

 \*چون دو حصة پیکرة بشرند؛

 \*از لحاظ جنبه بشری و الهی،هیچ تفاوتی بایکدیگر ندارند.

 30 /7/1376

#

# چکیده

از مهم ترین مقولات بسیار مهم امروزه مباحث مرتبط به حوزه زنان می باشد، یکی از دسیسه های امروزی دشمنان اسلام این است که از طریق خدشه دار کردن شخصیت انسانی این موجودی که نیمی از پیکره اجتماع انسانی را تشکیل میدهد، دین اسلام و تعالیم آسمانی آن را خدشه دار نمایند. موجودی که در اسلام از جایگاهی محترم برخوردار است که این را می توان به روشنی از تعالیم اسلام فهمید بر خلاف عقاید عصر جاهلیت و هم چنین عصر جاهلیت مدرن که هیچ گاه نتوانستند جایگاه واقعی زن را به درستی به تصویر بکشند. مسئله ای که بیشتر در این مقاله مورد نظر است بررسی جایگاه انسانی زن از دیدگاه دین مبین اسلام است. درمورد جایگاه انسانی زن سؤالاتی مطرح است که از چالش های عمیق و می توان از چند سؤال به عنوان اساسی ترین پرسش ها در باب جایگاه انسانی زن دراسلام نام برد، اما سؤالات اصلی دراین زمینه این است که زن از چه جایگاه و مو قعیت انسانی در دین اسلام برخوردار است؟ و سؤالاتی دیگر مانند: آیا زنان همانند مردان درگوهر خلقت و آفرینش مشترک هستند؟ آیا برای زنان هم امکان کسب کمالات انسانی مقدور است؟ آیا در سنجش اعمال زنان از جزای مساوی مردان برخوردار خواهند بود؟

# فهرست

# Table of Contents

[چکیده 5](#_Toc482870594)

[فهرست 6](#_Toc482870595)

[مقدمه 8](#_Toc482870596)

[اشتراک زن وذمرد در برخورد ازگوهر انسانی 9](#_Toc482870597)

[دیدگاه قرآن: 9](#_Toc482870598)

[ازیک نوع بودن زن و مرد 9](#_Toc482870599)

[جایگاه زن در ادوار گذشته 10](#_Toc482870600)

[انواع ظلم‌ها به زن 10](#_Toc482870601)

[زن و عذاب جهت گمراه کردن حضرت آدم علیه ‌السلام 10](#_Toc482870602)

[زن و خانواده 11](#_Toc482870603)

[زن و تعلیم 11](#_Toc482870604)

[جایگاه زن در دین اسلام 12](#_Toc482870605)

[زن، نماد و مظهر ظرافت، جمال و سکونت 12](#_Toc482870606)

[شاخصه‌های انسانی 12](#_Toc482870607)

[عمل صالح و ایمان؛ شرط حیات طیبه 13](#_Toc482870608)

[حق‌ناپذیری بندگان، شایسته لعنت الهی 13](#_Toc482870609)

[معرفی اسوه‌‌های خوب و بد از جنس زن برای زنان و مردان 13](#_Toc482870610)

[اهمیت دادن به زن به گونه خاص در توصیه‌های روایی و قرآنی 14](#_Toc482870611)

[اوصاف مثبت ومنفی زنان از دیدگاه آیات و روایات 14](#_Toc482870612)

[صفات مثبت زن 14](#_Toc482870613)

[اوصاف منفی زن 15](#_Toc482870614)

[نقش های زن در خانواده از دیدگاه اسلام 15](#_Toc482870615)

[زن در نقش د ختری 15](#_Toc482870616)

[زن در نقش همسری 17](#_Toc482870617)

[زن در نقش مادری 18](#_Toc482870618)

[موقعیت اجتماعی زن در اسلام 18](#_Toc482870619)

[مشارکت سیاسی زنان 19](#_Toc482870620)

[نظریه اختلاف فیزیولوژیکی: 19](#_Toc482870621)

[نظریه اجتماعی شدن : 19](#_Toc482870622)

[نظریه روان شناختی: 20](#_Toc482870623)

[آزادی زنان 20](#_Toc482870624)

[آزادی زن در تمدن غرب 21](#_Toc482870625)

[چند پرسش وپاسخ 21](#_Toc482870626)

[منابع: 27](#_Toc482870627)

#

# مقدمه

**بسیار واضح و روشن است که هدف ما مسلمانان، رسیدن به کمالات مطلوب انسانی است.که آن هم بدون دانستن جایگاه واقعی زن دراسلام غیر ممکن است که عده ای به دلیل عدم علم به این جایگاه با برداشت های اشتباه از دیدگاه دین نسبت به زنان دچار اشتباهات و گاه خسارات جبران ناپذیر می شوند. و نیز دچار اشتباهات گوناگون نسبت به دین شده یا با شنیدن این شبهات به دلیل عدم اطلاعات کافی از دیدگاه اسلام به جایگاه انسانی زن دچار تزلزل در دین می شوند. این گونه مسائل بر ضرورت تحقیق بیش تر راجع به دیدگاه اسلام به این مو ضوع می افزاید.**

**هدف از این پژوهش بین دیدگاه اسلام به جایگاه انسانی زن است چرا که روشن شدن این مسئله تأثیر زیادی برافکار افراد جامعه به خصوص قشر زنان جوانان جامعه که بیش تر در معرض آسیب فکری هستند، دارد. به این صورت با روشن شدن افکار نسبت به این موضوع می توان به بیداری زنان به این موضوع و بالاتر از آن اقدامات خود زن برای یافتن جایگاه واقعی خود دراسلام امیدوار بود.**

#

جایگاه زن در اسلام

# اشتراک زن ومرد در برخورد ازگوهر انسانی

# دیدگاه قرآن:

**از قرآن کریم به خوبی می توان فهمید که تفاوتی در ماهیت زن و مرد وجود ندارد هر دو در سرشت و سیرت انسانی مشترک اند یعنی چنین نیست که یکی به علت مرد بودن برتر و دیگری به دلیل زن بودن پست تر باشد بلکه انسانیت وجه مشترک این دو است.**

# ازیک نوع بودن زن و مرد

**بر اساس آیات قرآن کریم جفت انسانی از یک جنس آفریده شده اند. « و من آیاته ان خلق لکم ازواجا » و از نشانه های او آن است که برای شما از جنس خودتان همسرانی را آفرید. در این آیه و آیات مشابه آن واژه «من» در «من انفسکم» معنای جنس را افاده می کند مقصود از جنس نیز آن چیزی است که مخاطب قرار گرفته یعنی مجموع جسم و جان زیرا انسان از این دو عنصر فرا هم آمده است اگر چه در ادامه جان از جسم جدا می شود و به طور مستقل به حیات خویش ادامه می دهد در نتیجه مفاد این آیه چنین می شود که زن و مرد از جنس مشترکی آفریده شده اند.**

**یکی دیگر از آیاتی که برای اثبات همانندی زن و مرد در حقیقت انسانی به آن استدلال شده آیه: «یا ایها الناس اتقو ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها....»؛ «ای مردم از پروردگارتان که شما را ازنفس واحدی آفرید وجفتش را نیز از او آفرید....پروا دارید....» همان طور که بعضی مفسران گفته اند این آیات با توجه دادن آحاد بشر به جود یک پیوند عاطفی بین همه انسان ها درصدد ایجاد زمینه ای برای پذیرش احکامی است که سوره نساء عهده دار بیان آنها می باشد.[[1]](#footnote-1)**

**در این که مراد از نفس واحده چیست آراء گوناگونی از سوی مفسران ارائه شده است برخی معتقدند مقصود از آن حقیقت وگوهر انسانی است و بنابر این مفاد آیه چنین خواهد شد ای مردم[[2]](#footnote-2)از پروردگاری که همه شما را ازگوهری انسانی آفریده پروا دارید بنابر این تفسیر می توان این بخش از آیه شریفه را دلیلی بر اشتراک زن و مرد در انسانیت دانست به این معنا که جنسیت تأثیری در بهتری یا کهتری هیچ یک از زن و مرد ندارد.**

#  جایگاه زن در ادوار گذشته

#  انواع ظلم‌ها به زن

**زن به عنوان نیمی از جمعیت دنیا و عضوی فعال در کانون بزرگ جامعه انسانی، همچنین یکی از دو رکن پدید آورنده بنیان خانواده، در طول تاریخ داوری‌ های گوناگونی را نسبت به خود دیده است. نگاهی گذرا به تاریخ نشان می‌دهد که زن در بیشتر جوامع از نوعی محرومیت رنج برده است. هرچند در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف، در طول تاریخ این تمایز و اختلاف شدت و ضعف متفاوتی داشته، ولی استمرار و فراگیری آن غیر قابل انکار است. زنده به گور کردن دختران در جاهلیت عرب، کشته شدن زنان به دست مردان در جامعه سومری یا فروش آنان برای ادای دین، نمونه‌ای از ظلم‌های بی‌حد و حصر به زنان است. جفاهای زیادی در طول قرون و اعصار تا به امروز نسبت به زنان رفته و می‌رود، چه از ناحیه آنانی که معتقد به مردسالاری و خدایگانی مرد در خانه بوده‌اند و چه از ناحیه جریان ‌های تند و رادیکال که به آزادی مطلق زن می‌اندیشند.**

# زن و عذاب جهت گمراه کردن حضرت آدم علیه ‌السلام

**در کتاب مقدس و در داستان آفرینش، از زن به عنوان کارگزار شیطان در گمراه کردن آدم یاد می‌شود البته به همین دلیل، مستوجب عذاب و لعنت خداست:**

**«[خداوند] به زن گفت: الم (درد) زایمان تو را بسیار افزون می‌کنم؛ با الم، فرزندانی خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد»[[3]](#footnote-3)**

**اما قرآن نگاهی دیگر به این قضیه دارد؛ شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام در این‌ باره می‌گوید: «قرآن هرگز نگفته شیطان یا مار، حوا را فریفت و حوا آدم را. قرآن نه حوا را به عنوان مسؤول اصلی معرفی می‌کند و نه او را از حساب خارج می‌کند، بلکه آن‌جا که پای وسوسه شیطان را به میان می‌کشد، ضمیرها را به شکل تثنیه می‌آورد. در آیه 20 سوره اعراف می‌فرماید: «فوسوس لهما الشیطان»**

**و حتی در برخی آیات آمده گاه آدم را به تنهایی نیز وسوسه کرده است[[4]](#footnote-4)اما سخنی از گول خوردن آدم توسط حوا وجود ندارد. چه رسد مجازات و عذابی بر این امر مترتب گردد.**

**همچنین نگرش قرآن به درد زایمان، نگرش مثبتی است که به هیچ وجه جنبه عذاب و مجازات ندارد[[5]](#footnote-5)**

# زن و خانواده

**کتاب مقدس مانند قرآن[[6]](#footnote-6) (البته با ادبیاتی متفاوت) برای مادران ارج و منزلت بالایی در نظر می‌گیرد و در مقابل فرزندان، اولویت را به مادر می‌دهد: «هر کس پدر و مادر خود را بزند هر آینه کشته شود ... هر کس پدر و مادر خود را لعنت کند، باید کشته شود»**

**به مردان نیز سفارش شده تا به همسران خود محبت کنند: «باید مردان، زنان خویش را مثل بدن خود محبت کنند؛ زیرا هرکه زوجه خود را محبت نماید، خویشتن را محبت می‌نماید؛ زیرا هیچ‌کس هرگز جسم خود را دشمن نداشته است بلکه آن ‌را تربیت و نوازش می‌کند چنان‌که خداوند نیز کلیسه را»**

**با این حال مرد را مقدم بر زن داشته و در امور خانواده مرد را قوام و پایه زندگی می‌داند: «هر زن باید از شوهر خود اطاعت کند و شوهر نیز از مسیح؛ همان‌ طور که مسیح هم از خدا اطاعت می‌کند» «زن را اجازت نمی‌دهم که ... بر شوهر مسلط شود» «ای زنان! هم‌چنان که از مسیح اطاعت می‌کنید، از شوهرتان نیز اطاعت کنید؛ زیرا شوهر رئیس و سرپرست خانواده است؛ همان‌طور که مسیح رئیس و سرپرست کلیساست ... پس شما زنان نیز باید در هر امری با کمال میل از شوهر خود اطاعت کنید، درست همان‌گونه که کلیسا مطیع مسیح است»**

**این دیدگاه‌ ها به صورت کلی مورد تأیید قرآن نیز است،[[7]](#footnote-7) اما در کتاب مقدس، پا را فراتر نهاده و می‌گوید: «مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد آفریده شده است»**

# زن و تعلیم

**در برخی از آیات عهد جدید که تمام آنها توسط پولس تنظیم شده؛ چنین آمده است: «زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد بلکه باید در سکوت بماند زیرا ... آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده در تقصیر گرفتار شد. اما به زائیدن رستگار خواهد شد اگر در ایمان و محبت و قدوسیت و تقوا ثابت بمانند» این رویکرد مخالف آیات قرآن است. در قرآن زنان نیز مانند مردان وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دارند؛ این امر و نهی حتی در برخی مواقع می‌تواند نسبت به مردان ‌باشد[[8]](#footnote-8) البته مشخص است که این، نیازمند یادگیری و شناخت معروف و منکر است. علاوه بر این؛ قرآن در داستان ملکه سبأ می‌آورد که یک زن فرمانروا بوده و اطرافیان اختیار امور را به دست او داده بودند[[9]](#footnote-9) و قرآن پس از ذکر این مطلب، نه تنها مخالفتی با آن نکرده بلکه در نهایت، این ملکه را رستگار اعلام می‌کند.**

جایگاه زن در اسلام

#

# جایگاه زن در دین اسلام

**زن، نماد و مظهر ظرافت، جمال و سکونت**

**هر موجودی مظهر نامی از نام‌های الهی است؛ زیرا خلقت که از اوصاف فعلی خداست (و نه از اوصاف ذاتی او) یعنی تجلی خالق در چهره مخلوقات گوناگون. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «همه حمدها مخصوص خدایی است که خود را از طریق آفریده‌ها به مخلوقاتش نمایاند»[[10]](#footnote-10) و [[11]](#footnote-11)**

**در آموزه‌های قرآنی، انسانیت یک نوع است که مرد و زن هر دو به یک اندازه و به گونه‌ای برابر از آن برخوردارند. قرآن در این‌باره می‌فرماید: «خلقکم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها؛ شما را از یک نفس آفرید و همسرش را از همان نفس خلق کرد»[[12]](#footnote-12)**

# شاخصه‌های انسانی

**همچنین، در مهم‌ترین شاخصه انسانی؛ یعنی تعقل و خردورزی، زنان و مردان سهم و بهره‌ای یکسان و برابر دارند. «قل هو الذی أنشاکم و جعل لکم السمع و الابصار و الأفئده؛ بگو او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد»[[13]](#footnote-13) مفسران و دانشمندان مسلمان «افئده» در آیه فوق را به معنای اندیشه که بشر را از دیگر جانوران متمایز می‌سازد، گرفته‌اند.[[14]](#footnote-14)**

# پوچ بودن تمامی امتیازهای نژادی، جنسیتی

**وقتی خداوند می‌فرماید: «ارجمندترین موجودات نزد خدا، باتقواترین آنهاست»[[15]](#footnote-15) می‌خواهد بگوید نزد من رنگ و جنس و بقیه ملاک‌های ظاهری ارزشی ندارد و اصل ایمان و تقواست.**

# عمل صالح و ایمان؛ شرط حیات طیبه

**«هر کس کار شایسته کند ـ چه زن باشد چه مرد ـ درحالی‌که مؤمن باشد، قطعاً او را با بهره‌مندی از زندگانی پاکیزه‌ای حیات می‌بخشیم و جزایی فراتر از عملش به او می‌دهیم»[[16]](#footnote-16)**

# حق‌ناپذیری بندگان، شایسته لعنت الهی

**«کسانی که کافر شدند و در حالی از این جهان رفتند که در کفرشان باقی بودند، لعنت خدا و ملائکه و همه مردم شامل‌شان می‌شود»[[17]](#footnote-17)**

**آنچه از این آیات به دست می‌آید؛ طرف خطاب خداوند انسان است. آدمی، در گرو ایمان، عقیده و عمل خود است؛ چه مرد باشد چه زن، و زن در نگاه وحی، در موضع شخصیت «انسان» است و جنسیت، تأثیری در خطوط اصلی تکالیف و شخصیت انسان‌ها ندارد.**

#  معرفی اسوه‌‌های خوب و بد از جنس زن برای زنان و مردان

**ادبیات قرآنی نشان می‌دهد خداوند ابایی ندارد که برای بیان منظورش از افراد و شرایط مختلف مثال بزند. چنان‌که برای معرفی افراد سعادتمند یا شقی از افراد مختلفی نام برده است که از قضا دو زن خوب را اسوه نیکوکاران و دو زن بدکار را اسوه مردمان بد معرفی می‌کند.**

**«و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا إمراة فرعون إذ قالت رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة و نجنی من فرعون وعمله و نجنی من القوم الظالمین؛ خداوند برای کسانی که ایمان آوردند، نمونه‌ای را ـ به عنوان مثال ـ یاد می‌کند: همسر فرعون را که (از کفر و کردار فرعون ناراضی بود و) دعا کرد: پروردگارا برای من در نزد خودت خانه‌ای در بهشت قرار بده و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از دست مردم ستمگر برهان»[[18]](#footnote-18)**

**همچنان که نمونه مردم بد را با نقل واقعیت دو زن بد (همسر حضرت نوح و حضرت لوط) بیان می‌کند.[[19]](#footnote-19)**

# اهمیت دادن به زن به گونه خاص در توصیه‌های روایی و قرآنی

**حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در توصیف این جنس می‌فرمایند: «زن، چونان گلی خوشبو و لطیف است نه بسان قهرمانی خشن و ضمخت»[[20]](#footnote-20)**

**حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه‌ و آله هم در بیان فضیلت مادر بر پدر می‌فرمایند: «اگر مشغول نماز مستحبی هستی و پدرت تو را خواند، نماز را قطع نکن، ولی اگر مادرت تو را خواند نماز را قطع نما»[[21]](#footnote-21)**

**اوصاف مثبت ومنفی زنان از دیدگاه آیات و روایات**

# صفات مثبت زن

**حضرت علی (ع) می فرمایند: «بهترین خصلت های زنان، بدترین خصلت های مردان است؛ یعنی: تکبر، بخل وترس؛ چون وقتی زن متکبر است، مرد بیگانه ای را به خود راه نمی دهد واگر بخیل باشد، مال خود و شوهر خود را حفظ می کند و اگر ترسو باشد، از هر حادثه ای که پیش آید،کناره گیری واحتیاط می کند»؛[[22]](#footnote-22) البته مقصود این نیست که این اوصاف، حالات روحی پسندیده هستند؛ بلکه از زنان خواسته اندکه در برابر افراد نامحرم، (رفتار متکبرانه) داشته باشند. دربارة ترس نیز بدون شک شجاعت، هم برای زن و هم برای مرد پسندیده است و اسلام از زن نخواسته ترسو باشد؛ چنان که در تاریخ اسلام، زنان شجاع همانند مردان مورد تمجید بوده اند؛ ولی چون زنان حامل یک امانت بزرگ انسانی، یعنی همان عفت است، از او خواسته اند تا رفتارش آمیخته با ترس باشد؛ پس زنی که خود را در معرض خطر قرار می دهد و عفت خود را از دست می دهد، نه تنها فداکاری نکرده، بلکه خیانت کاراست. در مورد بخل نیز مسأله از همین قراراست؛ یعنی رفتار همراه با امساک؛ زیرا او در مال مشترک خانواده امانتدار است و درحفظ مال خود و همسر خود باید به طور کامل بکوشد. خصوصیات مثبت اخلاقی دیگرکه در زن بیشتر از مرد است عبارتنداز: شکیبایی وعاطفه و محبت نسبت به والدین و همسر.**

# اوصاف منفی زن

**کفار می گفتند: فرشتگان از جنس ماده و زن هستند. درپاسخ به تو هم کفار، آیة ذیل نازل شد که اشاره به دو صفت منفی در زنان دارد: «او من ینشؤ فی الحلیه و هو فی الحصام غیر مبین»؛[[23]](#footnote-23)یعنی آیا کسی نشو و نمای او در زیور است و در بحث و جدل منطقی نیست، سزاوار است که فرشتگان آسمانی را به او نسبت دهند. زن درقرآن مجید، به این دو صفت، باعث تنزل مقام او نیست؛ بلکه زن کامل در زن بودن، زنی است که این دو صفت را درحد اعلی و مشروع به کار بندد.**

# نقش های زن در خانواده از دیدگاه اسلام

**زن در بُعد خانوادگی، دارای نقش‌ها و کارکردهای گوناگونی است. یک خانواده‌ی کامل از سه رکن پدر، مادر و فرزند تشکیل یافته است. بنابراین زن در خانواده می‌تواند دارای این چهار نقش باشد: نقش دختری، نقش خواهری، نقش همسری و نقش مادری**

**\* جایگاه زن در اسلام \***

**وقتی که دختر است، دری از درهای بهشت برای والدینش می باشد.**

**وقتی که همسر است، نیمی از دین همسرش را کامل می کند.**

**وقتی که مادر است، بهشت درزیر قدومش قرار دارد**

# زن در نقش د ختری

**بررسی متون روایی نیز بیانگر ارزشمندی دختران از دیدگاه اسلام است. همچنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «از میمنت و خوش‌قدمی یک زن این است که اولین فرزندش دختر باشد»[[24]](#footnote-24)و نیز آمده است: «دختران، بهترین فرزندان شما هستند.»[[25]](#footnote-25)**

**در ساختار تربیتی اسلام، هویت‌بخشی به شخصیت دختر متفاوت با پسر است. در زمینه‌ی علاقه به مذهب، اخلاق و رعایت دستورات الهی، دختران موفق‌ترند. در واقع، تربیت مذهبی در دختران نافذتر است.[[26]](#footnote-26) بنابراین دختران از نظر امور عاطفی و تربیتی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند؛ چرا که عامل انتقال معنویات، خلقیات و روحیات به سبب آن‌هاست. بر همین اساس، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «پدر و مادری که دختری داشته باشند، پس به او آداب بیاموزند و تربیت و ادب او را نیکو گردانند و نیز به او دانش بیاموزند و علم و دانش او را نیکو سازند و از نعمت‌هایی که خدا بر آنان فرو باریده به‌وفور در اختیار او قرار دهند، آن دختر مانع از آتش و عذاب الهی برای آنان خواهد شد.»[[27]](#footnote-27)**

**در کنار همه‌ی ویژگی‌های یک زن در جایگاه «دختری»، باید وظایفی که هر فردی، اعم از زن و مرد، نسبت به پدر و مادر خود دارد، نیز مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که این امر، در اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته و رعایت شأن و منزلت و حقوق والدین و ادای حق آن‌ها به انسان‌ها بسیار سفارش شده است.**

# زن در نقش خواهری

**نقش خواهری دومین نقشی است که یک زن می‌تواند در چارچوب خانواده ایفا نماید. «خواهری»، همانند سایر نقش‌های خلقتی زن، جایگاه مشخص و تعریف‌شده‌ای دارد و به هیچ‌وجه قابل جایگزینی نیست. «خواهر بودن» نقش تعادل‌بخش، سرشار از معرفت، بخشش، رحمت، سربلندی و شایستگی است. نقشی روح‌بخش و لطیف با ظرافت‌ها و لطافت‌های خاص خود، که چون از جنس گرایش‌های سیرتی و معنوی است و از فطرت پاک انسانی سرچشمه می‌گیرد، زیباشناسانه و زیباپسندانه است. در تاریخ اسلام، نمونه‌های والا و ارزشمندی از نقش خواهری قابل توجه و بررسی است که در اینجا به ذکر چند مورد اکتفا می‌گردد.**

**یکی از بانوان نمونه‌ی قرآنی که در نقش خواهری بسیار تأثیرگذار بود، خواهر حضرت موسی (ع) است. وی یکی از افراد تأثیرگذار در زندگی این پیامبر بزرگوار بود و با درایت و زیرکی توانست نقشی سازنده در هدایت زندگی حضرت موسی (ع) به سمتی که خواست خداوند بود، ایفا کرد.[[28]](#footnote-28)**

**نمونه والای دیگری از «خواهری کردن»، در زندگی و شخصیت حضرت زینب (س) تجلی یافت. زینب (س) از ارکان مهم کاروان امام حسین (ع) در کربلا بود و در سرپرستی و اداره‌ی کاروانیان سهمی مهم به‌عهده داشت. او در تمام حرکت‌ها و صحنه‌های غم‌انگیز و با شکوهی که در این مسیر بروز کرد، حضور داشت و در تمام سختی‌ها، رنج‌ها و مصیبت‌ها خود را با برادرش حسین (ع) سهیم و شریک می‌دانست و برای او یاوری همراه، همدل و غمخوار بود.**

**زینب کبری (س) هم مانند مادرش فاطمه‌ی زهرا (س) وقتی احساس کرد مسئولیت بزرگ جهاد در راه دین و مبارزه با بی‌دینان به دوشش آمده است و در این راه باید از مال و شوهر و فرزند بگذرد؛ حتی اگر لازم شود از دادن جان نیز دریغ نکند، با کمال شهامت و فداکاری از خانه و شوهر و زندگی دست کشید و فرزندان خود را نیز برای مقابله با دشمنان اسلام به همراه برد و در همه‌جا، یاری مهربان و دلسوز برای برادرش (ولی زمانش) بود.**

**الگوی دیگری از «خواهری» را می‌توان در شخصیت حضرت معصومه (س) یافت. امام رضا (ع) خواهران زیادی داشت، ولی در میان همه‌ی آن‌ها، حضرت معصومه (س) با ابعادی متفاوت، سفری را در پیش گرفت که همان ویژگی سفر حضرت زینب (س) را دربرداشت. در آن روزگار، که ظلم و خفقان دستگاه بنی‌عباس در همه‌جا سایه افکنده بود، حضرت فاطمه معصومه (س) با تأسی به عمه‌ی بزرگوارش حضرت زینب (س) در مقابل تهدید و فشارهای حکومت علیه خاندان عصمت (ع)، علاوه بر فعالیت‌های علمی و روایی و بیان احادیث درباره‌ی غدیرخم، ولایت و امامت، در حرکتی سیاسی‌اجتماعی همراه برادران خویش به عرصه‌ی مبارزه وارد شد و «هجرت» را به‌عنوان عامل اعتراض به وضعیت موجود برگزید.»[[29]](#footnote-29)**

**نمونه‌ی برجسته‌ی دیگری از نقش خواهری، که در تاریخ اسلام می‌درخشد، خواهر امام هادی (ع) است. «حکیمه خاتون» از جانب برادرشان مأموریت راهنمایی و تربیت «نرجس خاتون» مادر امام زمان (عج) را به عهده داشتند. وی تنها فردی از خاندان امام هادی (ع) بود که توفیق و شایستگی تعلیم دادن نرجس خاتون را داشت. شخصیتی که بتواند همسر امام و مادر عصاره‌ی خلقت شود و این نشانگر تبحر و توانایی این بانوی فرزانه در شناخت دین است. همچنین ایشان تنها زنی بود که در شب نیمه‌ی شعبان در کنار بستر حضرت نرگس حضور داشت و توفیق قابلگی امام زمان را داشت.[[30]](#footnote-30)**

# زن در نقش همسری

**سومین نقشی که زن می‌تواند ایفا کند، نقش همسری است که در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در روایت‌های اسلامی «حسن تبعّل» (خوب شوهرداری کردن) در حد جهاد در راه خدا ارزشمند است.[[31]](#footnote-31) از سوی دیگر، به مردان درباره‌ی همسرداری بسیار سفارش شده است؛ از جمله آنکه: «هر کس دوست دارد خداوند را پاک دیدار کند، باید همسردار باشد.»[[32]](#footnote-32) در اینجا به برخی از مهم‌ترین شاخص‌های مثبت همسری در متون دینی اشاره خواهد شد:**

**الگوی دینی همسری آن است که همه‌ی کارکردهای مورد انتظار از زوجیت در آن دیده شود. در این الگو مهارت‌های ارتباطی اهمیت دارند. اساس ماهیت زوجیت، پیوند و ارتباط است. بنابراین هر آنچه ارتباط زن و شوهر را تعمیق کند در این الگو وجود دارد و هر آنچه به این ارتباط آسیب می‌رساند در آن دیده نمی‌شود. مهارت کلامی در این زمینه نقش مهمی دارد و گفت‌وگوهای زن و شوهر باید به غنی‌سازی فضای انس و الفت کمک کند. در این الگو، زن و شوهر لباس یکدیگرند. این استعار به عیب‌پوشی و کمک به یکدیگر در رفع نیازهای غریزی و جنسی بازمی‌گردد.[[33]](#footnote-33)**

**قدردانی، محبت و تمکین، سه اصل اخلاقی‌علمی مهم‌اند که در الگوی همسری، به‌ویژه از سوی زنان، در تحکیم رابطه‌ی زوجیت مؤثرند. این سه اصل هم در سطح گفتار و هم در سطح کردار باید دیده شود تا تأثیری دوچندان داشته باشد. در کنار آگاهی از وظایف حقوقی، عملکرد نیکوی اخلاقی بهترین نوع رفتار همسری است. این مسئله موجب می‌شود که امور خانواده و زوجیت بیشتر بر مبنای توافق و رضایت دو طرف پیش رود تا مرزبندی‌های حقوقی. اصل حسن معاشرت و معاضدت، اصل عامی است که به حکم قرآن همه‌ی این رفتار را پوشش می‌دهد.[[34]](#footnote-34)**

# زن در نقش مادری

**یکی از مهم‌ترین، سازنده‌ترین و ارزشمندترین نقشهایی که زن می‌تواند ایفا کند، نقش مادری است. در آموزه‌های دینی، مادری یک ارزش به‌شمار می‌آید که به دلیل ویژگی‌های زیستی و روانی، بر عهده‌ی زنان نهاده شده است. نقش مادری تنها در وضع حمل و شیر دادن خلاصه نمی‌شود، بلکه یک سلسله مسئولیت-های پرورشی و تربیتی بر عهده‌ی مادر گذاشته شده است که ثمره‌ی آن در هدایت کل جامعه‌ی بشری خود را نمایان می‌کند.**

**همان‌گونه که لقمه و غذا و شیر مادر در تربیت فرزند تأثیر مستقیم دارد، اندیشه و تربیت و رفتار مادر نیز در روح فرزند تأثیرات غیرقابل انکاری دارد که مسئولیت زنان را در این بُعد بسیار والا و بزرگ می‌نماید. به این سبب، برای زحمات مادر، پاداش‌های عظیمی همانند ثواب جهاد و شهادت قرار داده شده است.[[35]](#footnote-35) در حقیقت، مادر است که فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم، روح و اخلاق و رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند.**

**یکی از مهم‌ترین وظایفی که در داخل خانه و خانواده به عهده‌ی زنان است، مسئله‌ی تربیت فرزند است. زنانی که به خاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از آوردن فرزند خودداری می‌کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه‌ی خود اقدام می‌کنند؛ خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیر دادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی هم متوقف به وجود آن‌ها نیست، رها میکنند؛ دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند. هم به ضرر فرزندشان و هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند؛ اسلام این را اجازه نمی-دهد.[[36]](#footnote-36)**

# موقعیت اجتماعی زن در اسلام

**اسلام میان زن ومرد ازجهت تدبیر اموراجتماع یا تصمیم گیری و کار،تساوی برقرار کرده است .علتش این است که همان طور که مرد میخواهد زندگی کند، زن نیز میخواهد زندگی کند.به دلیل این که زنی ومردی درآنچه بنیةانسان درخوردن وآشامیدن وجزاین دو،از لوازم بقا نیاز دارد،برابرند.خداوند متعال فرموده است: «بعضکم من بعض».[[37]](#footnote-37)شما(زنا ن ومردان)از جنس همدیگر می باشید.همانطور که مرد میتواند خودش در سرنوشت خویش تصمیم بگیرد ومستقل عمل کند و نتیجة عمل خود را مالک شود، زن نیز چنین حقی را دارد ،بدون هیچ تفاوت.«لهاماکسبت وعلیها ما اکتسبت »؛[[38]](#footnote-38)برای زنان آنچه به دست آورده اند وبه ضرر آنهاست بدیهایی که کرده اند.پس زن و مرد در آنچه که اسلام وقرآن آن را حق می داند ،برابراند، خداوند حق را باکلماتش برقرار میکند .چیزی که هست، خداوند در آفرینش زن،دو خصلت قرار داده که به آن دوخصلت، زن از مرد امتیاز پیدا میکند:**

1. **زن،به منزله ی کشتزاری برای پیدایش نوع بشر قرار داده شده است، تا نوع بشر در این صدف تکون یافته ونمو کند، و به همین جهت،او احکام مخصوصی دارد وبا همان احکام از مرد ممتاز میشود .**
2. **خداوند،خلقت زن را لطیف قرارداد، و( برای اینکه زن مشقت بچه داری ورنج ادارة منزل را تحمل کند)،شعور واحساس اورا ظریف کرد. همین دو خصوصیت،(یکی درجسم ودیگری درروح)در وظایف اجتماعی واگذار شده به او، تاثیر دارد .**

#  مشارکت سیاسی زنان

**مشارکت سیاسی زنان که هم عمل سیاسی و هم تصدی مناسب سیاسی را شامل می شود همواره از مشارکت مردان پایین تر بوده است دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی پاسخ های متفاوتی به چرایی این مسئله داده اند خلاصه ای از این نظریه در ذیل ارائه می شود:**

# نظریه اختلاف فیزیولوژیکی:

**بنابر این نظریه علت مشارکت سیاسی کم تر زنان وضعیت جسمانی آنان است توان جسمی کم تر در زنان وضعیت های جسمانی مرتبط با بارداری، زایمان و شیردهی و چگونگی عملکرد مغز که در نوع علایق و توانمندی های زنان و مردان تأثیر می گذارد موجب می شود زنان در فعالیت ها و تصمیم گیری های اساسی جوامع مانند تصمیم گیری درباره جنگ و صلح و اداره یک جامعه و ورود به گفتمان های قدرت که در اختیار بود شرکت نکنند.**

# نظریه اجتماعی شدن :

**این نظریه به اختلاف های زیست شناختی چندان اهمیت نمی دهد بلکه برشیوه های اجتماعی کردن دختران و پسران تأکید دارد ارزش ها و الگوهای رفتاری وتحسین ها و نقبیح هایی که دختران و پسران دریافت می کنند همواره متفاوت بوده اند دختران معمولاً برای نقش های خانگی و پسران همواره برای نقش های کلان اجتماعی آماده می شوند در بیش ترجوامع فعالیت یا مدیریت سیاسی شغلی مردانه تلقی می شود که زنان از آن برحذر داشته می شوند. زنان حتی در گفت وگوهای سیاسی شرکت نمی کنند وقتی آنان درگفت وگوهای سیاسی شرکت نکنند بینش وحساسیت های سیاسی پیدا نمی کنند و عمل سیاسی شان ضعیف می شود.**

# نظریه روان شناختی:

**زنان ویژگی های روحی و روانی دارند که آن ها را محافظه کارتر، راست گوتر، مذهبی تر و سنت گرا تر می کند مهربانی، غیر رقابتی بودن و تسلیم پذیری ویژگی هایی اند که زنان را از فضاهای سیاسی دور می کنند. روحیه پرخاشگری و رقابت جویی که رگ حیات فعالیت است در زنان کم تر است بر این اساس زنان برای ورود به عرصه سیاست تمایل چندانی نشان نمی دهند[[39]](#footnote-39)**

# آزادی زنان

**یکی از خواسته های فطری و غریزی بشر در تمام دوران تاریخ، آزادی بوده است و هر انسان روشن ضمیر دوست دارد که آزادانه بیاندیشد و آزادانه انتخاب کند و به آن چه با تعقل انتخاب کرده آزادانه عمل نماید. زنان که حدوداً نیمی از جمعیت انسانی را تشکیل می دهند، در قرون متمادی از این نعمت و موهبت الهی محروم بوده اند و در تمام زمینه های فردی و اجتماعی مورد ظلم و جور قرار داشته و در چنگال جبر، محصور بوده اند.**

**ادیان الهی که از ذات حق سرچشمه می گیرند، قوانین رهایی بخش انسان ها را بیان داشته اند. دین اسلام نیز که خاتم ادیان و کامل ترین آن هاست برنامه ها و تعالیم ناب خود را در زمینه آزادی انسان ها و از جمله آزادی زنان به بشر عرضه داشته است. اسلام با قوانینی دقیق و نظام مند در مورد زنان با حفظ معیارها و ارزش های اخلاقی، آنان را از اسارت و بردگی نجات داده و به سوی جایگاه واقعیشان رهنمون ساخته است. در اسلام مرد و زن در یک صف قرار می گیرند و با الفاظی همچون «یا ایها الناس » و «یا ایها الذین آمنوا» مورد خطاب واقع می شوند و با آیاتی همچون «ومن عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة »[[40]](#footnote-40)و «کل نفس بما کسبت رهینة »[[41]](#footnote-41)به آنان استقلال در عمل داده می شود.**

**البته چون انسان موجودی دو بعدی است (که یکی بعد حیوانی و دیگری بعد روحانی می باشد ) آزادی او نیز در هر دو بعد مطرح است. اسلام با محدود کردن آزادی در بعد جسمانی و حیوانی، زمینه آزادی در بعد انسانی و روحانی و رشد و تکامل اخلاقی را فراهم نموده است، ولی در دنیای امروز مخصوصا از عصر رنسانس تا کنون که سکولاریزم رفته رفته آثار شوم خود را در پهنه جوامع انسانی می گستراند، دین و به تبع آن بعد روحانی انسان به فراموشی سپرده شده و در تمام آزادی های مطرح شده در مورد زنان و غیره، فقط به جنبه جسمانی و حیوانی او توجه شده است. شهید مطهری رحمه الله درباره تفاوت بین آزادی در اسلام و آزادی در غرب می گوید: «دمکراسی در اسلام یعنی انسانیت رها شده، حال آن که این واژه در قاموس غرب معنای حیوانیت رها شده را متضمن است.[[42]](#footnote-42)**

# آزادی زن در تمدن غرب

**غربی ها مساوات همه جانبه ای میان زن و مرد در حقوق برقرار کردند و سال ها در این باره کوشش نمودند وخلقت زن و تأخرکمالی اش را در نظر نگرفتند دیدگاه عمومی آن هاتقریباً این است که نقش زن در کمال و فضیلت به بدی تربیتی مربوط است که قرن ها با آن تربیت شده و از آغاز خلقت دنیا تا کنون در محدودیت ساختگی به سر برده است وگرنه طبیعت و خلقت زن و مرد باهم تفاوتی ندارد مؤید این سخن روش خود غربی هاست که نهایت تلاش و توجه خود را به کار برده اند تا زن را از عقب ماندگی نجات داده و زمینه پیشرفت و ارتقای او را فرا هم کنند اما تا کنون نتوانسته اند میان زن و مرد تساوی برقرار کنند و پیوسته آمارگیری های جهان این نتیجه را ارائه می دهد که در این کشور ها در مشاغلی که اسلام زن را از آن محروم کرده یعنی قضاوت و حکومت و جنگ اکثراً برتری با مردان بوده و همواره عده ای کم از زنان عهده دار این گونه مشاغل شده اند.**

# چند پرسش وپاسخ

# \*چرا نعمت های بهشتی بشارت های قرآن، غالباً به لفظ مذکر آورده شده است؟ مگر خانم ها از نعمت های بهشتی محرومند؟ در پاسخ این سؤال توجه به دو نکته لازم است:

**1)بشارت های قرآن برای ورود به بهشت به پرهیزکاران و صالحان است و فرقی بین زن و مرد نیست.**

**البته ضمیر های خطاب مذکر قرآن، بیش از مؤنث است و این مربوط به ادبیات عرب و بسیاری از کشور ها و اقوام است که با صیغه های مذکر، خطاب های عمومیشان را بیان می کنند.**

**برای مثال هنگام سلام می گویند «سلام عیکم»؛ درحالی که ممکن است در مجلس چند مرد و چند زن حاضر باشند وگفته نمی شود:«وسلامٌ علیکنّ». حتی اگر چند زن هم باشند، با ضمیر«کم» سلام می کنند. البته این گونه محاوره، اختصاص به بشارت ها ندارد و در مورد عذاب نیز خطاب به مردان است اگر چه شامل زنان نیز می شود؛ اما کسی اعتراض نمی کند.[[43]](#footnote-43)**

**2)برخی مفسّرین معتقدند که چون روش قرآن رعایت عفّت کلام است، لذا برجسته کردن لذت های زن دور از متانت و حیای زن است، از این رو بیش تر با ضمایر مذکّر نعمت ها را بر صاحبان آن برشمرده است. چنین امری در فرهنگ عمومی و خانواده های با شخصیت معمول است و قرآن کریم هم بر اساس فرهنگ محاوره سخن می گوید. البته در بسیاری از بشارت ها مانند «حیات طیّب»[[44]](#footnote-44)، «رضایت و رضوان الهی»[[45]](#footnote-45)، «پاداش عمل خیر»[[46]](#footnote-46) و....که متانت و حیای زن در آن محفوظ است ، از زن و مرد نام برده شده است.**

**بنابر این قرآن عنصر جنسیت را در حقیقت انسان دخیل نمی داند و بسیاری از بشارت ها و خطاب های قرآنی متوجه حقیقت انسانی است. حقیقتی که زن بودن یا مرد بودن وابسته به آن نیست.**

# آیا برای زنان نیز همسران بهشتی (حورالعین) وجود دارد؟

**واژه «حور» بنابر یکی از ریشه های لغت «حورٌعین» به معنای زیبایی سیاه چشمان است و در مجمع البیان آمده «حور»جمع «حوراء»وآن به معنای زن سفید بدن وسیمین تن است و «عین » جمع «عیناء»وآن زنی است که حدقه چشمش بزرگ باشد که سبب زیبایی بیشتر است.**

**علامه طباطبایی وگروهی براین عقیده اند که: مراد از حور «طائفه مؤنث» است نه طائفه مذکر.[[47]](#footnote-47)**

**اما آیه الله مکارم شیرازی ودبرخی دیگر مدعی اند: حورالعین می تواند مذکر هم باشد. از مضمون بعضی از آیات و روایات، برداشت می شود که مسئله لذت های جنسی،اختصاص به مردان ندارد؛بلکه زنان نیز در بهشت می توانند برای خویش ، شوهرانی دلخواه برگزینند.**

**ناگفته نماند؛زنان دنیا که اهل بهشت باشند بازیبایی وشکوهی برتر از حوریان در بهشت حضور دارند؛ ممکن است سؤال شود که اگر زنی چند شوهر کرده باشد ویکی پس از دیگری مرده باشند،در بهشت به کدام یک از این شوهران تعلق می یابد؟**

**«ام سلمه از رسول خدا پرسید:پدر ومادرم فدای شما باد!زنی دو شوهر داشته وهر دومرده ووارد بهشت شده اند؛ این زن به کدام یک از این دو تعلق دارد؟فرمود: ای ام سلمه!هرکدام که بهتر است وحسن خلقش بیشتر است،او را انتخاب می کند. ای ام سلمه: بدانکه حسن خلق خیر دنیا وآخرت را با خود می آورد».**

**همین مطلب را ام حبیبه همسر دیگر پیامبر(ص) نیز از آن حضرت پرسید و ایشان همان جواب بالا را فرمود.**

# چرا زنان شش سال زودتر از مردان مجبور به انجام نماز و روزه و سایر تکالیف شده اند؟ آیا این ظلم در حق زنان نیست؟

**توجه به این نکته لازم است که تشرّف به تکلیفی یکی از الطاف الهی ووجه تمایز بین انسان و دیگر مخلوقات است.انسان به لحاظ استعداد ها و جایگاه ویژه ای که نزد خداوند متعال داردمورد خطاب وامر ونهی او قرار می گیرد تا به واسطة عمل به دستورات الهی زمینةتکامل وسعادت ابدی را کسب کند.پس تکلیف لطفی است که خداوند در حق انسان نموده و از سوی دیگر احکام شرعی، آدمی رادر چارچوب قوانین و نظم خاص قرار می دهد و از آنجا که دختران دارای روحیة لطیف هستند و مسئولیت آنها در نهاد پاک خانواده بسیار مهم است، لازم است مراقبت خانواده ودستورالعمل های الهی زودتر شامل حال آنان گردد. علاوه بر اینکه تحولات هورمونی وجنسی و حتی عاطفی وذهنی در دختران زودهنگام تر است «بلوغ» را زمینةتشرّف به مقام عبودیّت دانست واین توفیقی برای زن است کهزودتراز مرد شایستگی خطاب الهی را کسب می کند.البتّهباید قدر این نعمت را دانست وشکرآن را به جای آورد.شاید بدین جهت است که برخی از بزرگان و علما، روز بلوغ شان را جشن می گرفتند وامروزه نیز این سنّت حسنه(جشن تکلیف)، در کشور ما رونق بسزایی یافته است. بنابر این نه تنها درحق زنان ظلم نشده است،بلکهآنان مورد عنایت ویژه قرار گرفته اند. دین اسلام،عنایت خاصی نسبت به زن دارد که او را زودتر از مرد، مشرّف به درگاه حضرت حق کرده است.**

**امام سجاد در«مناجات الذّاکرین»می فرماید: «یامن ذکره شرف»؛ «ای خدایی که نام تو مایةشرافت است»**

**«زن ریحانه است نیاز به مراقبت سریع تر وبیشتر دارد. درست است که باغبان هر انسانی خداوند است؛«واللهانبتکم منالارض نباتا»[[48]](#footnote-48)**

**منتها همان باغبان بهتر می داند که کدام گل را بهتر و زود تر از دیگر گل ها باید حفظ کرد و کدام نهال را باید بیشتر پذیرایی کرد. این پذیرایی ویژة الهی نشانه عظمت زن است. وقتی زن عظمت خود را می یابد که بداند خداوند او را شش سال زود تر از مرد می پذیرد. با این بینش در می یابیم که نه تنها در این مورد به زنان ظلمی نشده است، بلکه آنان مورد عنایت ویژه قرار گرفته اند».[[49]](#footnote-49)**

# چرا باید زنان پوشش خودرا در نماز حفظ کنند؟اگر چه در خانه تنها باشند مگر خدا نامحرم است؟

**باید دانست،اهمیت وفواید نماز در زندگی انسان دارای ابعاد بسیاری است،که مهم ترین آن رشد روحیة عبادت وارتباط با خدا وهمچنین نهادینه شدن رفتار های صحیح فردی و اجتما عی است مانند رعایت نظم در زندگی با التزام به اوقات نماز و رعایت حقوق دیگران با خودداری از غصب مکان ولباس و نسبت به زنان نیز رعایت حجاب وپوشش در نماز های پنجگانه تمرین مستمر برای نهادینه شدن این رفتار شایسته برای زنان در طول روز ودر ارتباط با دیگران می باشد.حتی در مورد مردان نه تنها بابدن عریان نماز خواندن باطل ودور از روح خضوع واحترام به ساحت مقدّس پروردگار است بلکه بهتر این است که علاوه بر پوشش مقدار واجب بالباسی نماز بخواند که نشانة احترام باشد اما از آنجا که اهمیت پوشش برای زنان بیشتر است بر آنان واجب شده است.**

**البته حکمت اصلی این حکم را خداوند متعال می داند اما می توان گفت که شکی نیست که خداوند از همه چیز ودر همه حال با خبر است وپوشیده وپنهان برای او مفهومی ندارد،با بندگان خود نیز نامحرم نیست،ولی انسان درحالت عبادت،خود را در حضور خدا میبیند وبا او سخن می گوید وبه راز ونیاز بااو برمی خیزد.**

**«وقل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله والمؤمنون وستردون إلی عالم الغیب والشهاده فینبئکم بما کنتم تعملون»[[50]](#footnote-50)؛«بگو: عمل کنید!خداوند وفرستاده او ومؤمنان، اعمال شما را می بینند!وبه زودی،به سوی دانای نهان و آشکار ،باز گردانده میشوید؛ وشما را به آنچه عمل می کر دید،خبر می دهد!».**

**در چنین حالی باید مناسب ترین لباس را در حضور او پو شید و روشن است که مناسب ترین لباس برای زن همان لباس کامل است، یعنی لباسی که نشانة عفّتو پاکدامنی اوست و بهترین حالات او را منعکس می کند، تنها چنین لباسی شایسته حال عبادت باشد.[[51]](#footnote-51)**

# چرا احکام ویژة زنان توسط مردان نوشته می شود در حالی که زنان چه بسا به مسائل خودشان بیشتر از مردان آگاه باشند؟

**احکام اسلامی،برگرفته ازتشریع و قانون گذاری خداوند است که توسط پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم (ع)، به مردم ابلاغ شده است. بنابراین منشأ و مبنای اعتبار احکام و مقرّرات در همة ادیان وبه طور مشخص در اسلام، اراده وخواست خدای متعال است وهمان گونه که ابلاغ آیات واحکام توسط پیامبران وامامان که همگی مرد بودند هیچ مشکلی را ایجاد نکرده بیان احکام زنان ازسوی مراجع تقلید مرد نیز مشکلی را به وجود نخواهد آورد. گرچه به لحاظ فتوای برخی از مراجع بزرگ،زنان می توانند برای سایر زنان مرجع تقلید شوند وزنان از وی پیروی کنند. امّا در اصل استنباط وکشف حکم تفاوتی میان زن ومرد نیست واز جهت موضوع شناسی، مراجع تقلید نیز، می توانند از زنان دربارة امور اختصاصی مشاوره بگیرند ومسایل فقهی را براساس آن ومدارک دیگر استنباط کنند. هم چنان که پزشک مرد که در زمینة بیماری های زنان تخصص دارد هرگز مشکلات بارداری، قاعدگی و.... را احساس نکرده است؛ اما این امر دلیل نمی شود که وی نتواند در این زمینه نظر بدهد و به معالجه بپردازد.**

**نکته ای که شاید دغدغة بعضی بانوان محترم باشد وآن احتمال جهت گیری مردان به نفع مردها یا به ضرر زن ها باشد که شرط عدالت وتقوا در مرجعیت آن هم درحد بسیار بالا مانع این جهت گیری وغرض ورزی خواهد شد ودرحقیقت احکام زن یا مرد نداریم بلکه آنچه برای مرجع تقلید مهم است استنباط احکام الهی است که صاحب نظران با تقوا وبی غرض به کشف آن می پردازند.[[52]](#footnote-52)**

# با توجه به این که زیبایی زن بیشتر به چشم وچهره او می باشد چرا اسلام پوشیدن مو را جزو حجاب اسلامی قرارداده اما پوشش دست وصورت را واجب نکرده است؟

**حجاب درواقع مصونیت وسلامت است نه محدودیت. وبه تعبیر زیبای شهید مطهری باهمة اهمیتی که حجاب ازنظر دینی دارد ولی در عین حال نباید به گونه ای باشد که سبب گرفتاری ویا مانع فعالیت صحیح زن شود. علت واجب نبودن پوشش دست وصورت(وجه وکفین)به خاطر جلو گیری از بروز سختی ودشواری برای زن بوده است. [[53]](#footnote-53)همچنین صورت ودست زن درحالی که ساده وعادی و طبیعی بوده وبا هیچ آرایشی همراه نباشد معمولا جلب توجه نمی کند وتنها دراین صورت است که شرع مقدّس پوشش آن را واجب نکرده است. اما اگر زنی بخواهد با دست و صورت آرایش شده در محیطی عمومی ظاهر شود، حتما باید صورت خود را بپو شاند.**

**علاوه بر اینکه واجب نبودن پوشش قرص صورت ودست (ازمچ تا سر انگشتان ) بدین معنا نیست که زن می تواند صورت خود را به دیگران بنمایاند ویا مرد مجاز به نگاه آن باشد.ازاین رو همان گونه که در توضیح المسائل مراجع تقلید آمده است، نگاه کردن زن و مرد نامحرم به صورت یکدیگر باقصد لذت حرام وگناه است ولی نگاه معمولی وبدون دقَّت مانعی ندارد.[[54]](#footnote-54)**

**خلاصه این که اصل دستور پوشش به عنوان یک راهکار مصونیت بخشی و نه محدودیت زایی، نباید به گونه ای طرح شود که به انزوای زنان و رکود فعالیت اجتماعی آنان منجر گردد. پوشش به عنوان مانعی در برابر زیاده طلبی ها و ابتذال اخلاقی قرار داده است و این مصونیت بخشی گرچه محدودیت زاست اما باید تا آن جا که ممکن است، دو هدف مصونیت بخشی و حضور زنان در عرصة فعالیت اجتماعی، باهم جمع شود.**

**در این باره گفتنی است، ناظر به مقام تعارض یا تزاحم حقوق وتکالیف ومسئولیت هاست. به عبارت دیگر هرگاه حضور زنان در مساجد برای عبادت،مزاحم انجام وظیفةمادری نسبت به فرزندان ویا همسریباشد ویا نحوةحضور در تعارض با سایر ارزش های اسلامی باشد مثلا حضوردر جمعه وجماعت بهانه یا باعث اختلاط زن ومرد گردد،نارواست. بنابراین، مساجد زنان،خانه آنهاست وچنانچه زنانی به قصد قربت دوست داشته باشند درمسجد عبادت کنند ولی به دلیل موانع یاد شده،فرصت حضور نیابند؛خدای متعال همان ثواب عبادت در مسجد رابه آنها عنایت خوهد کرد.**

**بنابر آنچه گفته شد؛اسلام با وضع چنین قوانینی بیش ازپیش به تحکیم خانواده وحفظ شخصیت زن می اندیشد وشخصیت زن وتحکیمخانواده از نظر اسلام اهمیت بیشتری دارد. همچنین حضور در جماعت وجمعه، معمولا بادشواریهایی همراه است ازاین رواسلام برای رعایت حال زنان ونیز برداشتن رنج ومشقّت شرکت در نماز جمعه وجماعت، این تکلیف راازآنان برداشته است اگر چه دراسلام سفارش شده است تا زنان نمازشان را درمنزل بخوانند واین برای آنان از حاضر شدن درجماعت ومسجد بهتر است «عن أبی عبدالله(ع)أنه قال:خیر مساجد نسائکم البیوت»[[55]](#footnote-55)**

**امام صادق فرمود:«بهترین مساجد برای زنان شما، خانه هایتان است».اما این بدان معنا نیست که از نظر ثواب محروم بمانند زیرا این با عدل خدا سازگار نیست که راه کسب ثواب را مسدود نماید بلکه همان ثواب جماعت به وی داده می شود«قال النبی(ص) صلاه المرأه وحدها فی بیتها کفضل صلاتها فی الجمع خمساوعشرین درجه»؛«پیامبر اکرم فرمود:نماز زن به تنهایی در خانه اش،مانند فضیلت نماز وی در جماعت است با بیست وپنج درجه». کما اینکه در باب جهاد هم همینگونه است یعنی اگر زنان از حضور در میدان جنگ منع شده اند وتکلیف از آنان برداشته شده است وتنها مردان هستند که به میدان جهاد ومقام مجاهد دست می یابند اما درمورد زنان هم برای جبران ثواب شوهر داری قرار داده شده است.**

**«عن النبی (ص)قال:جهاد المرأه حسن التبعل لزوجها»؛ «جهاد زن،نیکو شوهرداری است».البته زنان می توانند با حفظ حجاب کامل وشئون اسلامی درنماز جماعت وجمعه حضور پیداکنندونمازشان صحیح است واگر حضور ایشان جنبه دفاع از دین،ولایت و نظام اسلامی باشد،ترجیح دارد چنان که حضرت زهرا (ع)در مسجد حضور پیدا کرد.**

# در حکمت 230 نهج البلاغه آمده است: (المرأه شر کلها وشر مافیها انه لابد منها) پاسخ شما چیست؟

**در پاسخ به این سؤال دو نکته حائز اهمیت است:**

**1)طبق روایات،زن خوب از تمام خوبی ها برتر است. امام صادق(ع) می فرماید:«أکثر الخیرفی النساء»[[56]](#footnote-56)؛«بیشتر خوبی ها در زنان است».وزن بدنیز ازتمام بدی هابدتر شر«المرأه کلها».**

**همان گونه که ملاحظه می شوددرنگاه اول به نظر میرسد که بین روایات تعارض باشد درحالی که چنین نیست.زیرا شأن نزول بسیاری از این روایات به دلیل سؤالاتی بود که از ائمه(ع) می شده وآن بزرگوارانبنا بر شرایط وموقعیت های مختلف گاهی جواب های به ظاهر متضاد میدادند.اما همگی بیانگر واقعیت ها ودر حقیقت راهنمایی ها و روایات امامان(ع) مانند تابلوی راهنمایی ورانندگی درجاده هاست. برای مثال تابلوی سرازیری و شیب تند، به معنای بدی راه نیست اما راننده باید توجه داشته باشد که اگر تند براند ، احتمال تصادف وسقوط در دره هست. مردان نیز باید توجه داشته باشند دلربایی ها وزیبایی های زنان آنان را مجذوب خود نسازدوآنان را درسراشیبی تند زندگی قرار ندهد. نگرش اصیل واصلی اسلام به زن به عنوان نعمتی الهی است که استعداد های فراوانی در وجود او به ودیعه نهاده شده است واگر این استعدادها درمسیر هدف آفرینش وطاعت وبندگی خدا باشد ، بیشترین خیر وخوبی را دربرخواهد داشت.ولی اگر همین استعداد های فوق العاده در غیر مسیرهدف خلقت واطاعت وعبادت خداوند قرار گیرد،زمینه سازفساد وتباهی برای خود وجامعه خواهدبود.**

**امام صادق (ع) می فرمایند:«...لیس للمرأه خطر لالصالحتهن ولالطالحتهن أماصالحتهن فلیس خطرها الذهبوالفضه،بل هی خیر من الذهب والفضه واما طالحتهن فلیس التراب خطرها بل التراب خیر منها»؛«زنان قابل ارزش گذاری نیستند،نه صالحشان ونه گمراهشان. اما صالح ایشان با طلاونقره قابل قیمت گذاری نیستند چون خاک باارزش تر از آنان است».**

**2) مقصود امیرالمومنین(ع) در این روایت، هشدار به مردان است که در نحوه برخورد ومعاشرت بازنان به گونه ای عمل نکنند که از اهداف خویش باز بمانند وبه طور دائم مشغول معاشرت با زنانشان باشند که این معاشرت دائمی و سرگرم بودن افراطی شر خواهد بود زیرا مانع رسیدن آنان به اهدافشان خواهد شد. اما ازسوی دیگر لازمه زندگی، همراهی و هم نشینی باآنان است.**

# \* نتیجه گیری \*

**در بینش و جهان بینی اسلامی زن و مرد از جهات بسیاری با هم برابر و یکسانند. در ماهیت و سرشت وجودی تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و هر دو از گوهر انسانی مشترکی برخوردار هستند. انسانیت محور تقسیم زن و مرد است. زن و مرد هر دو به طور مشترک از روح الهی برخوردارند. همچنین زن و مرد در هدف غایی آفرینش، اشتراک دارند نه آنکه یک جنس محور اصلی هستی باشد و جنس دیگر فرعی و یا طفیلی و هیچ کدام مقدّمه وجود دیگری نیست. دراستعدادهاوقابلیتها،هردوجنس زن ومرد از استعدادهای مشترکی همچون استعداد کمال یابی، فضیلیت خواهی، قرب به خدا، انحطاط و سقوط برخوردارند. هدف خلقت زن ومرد هر دو عبودیت و بندگی خداست، از نظر کسب ارزشها، نیز هر دو در یک رتبه هستند. زن و مرد بودن در کسب ارزشها تأثیری ندارد، امّا این برابرى در کمالات و دستیابى به مقامات معنوى و انسانى، بندگى و تعبّد الهى و کرامت وجودى انسان بر سایرین است نه در احکام و وظایف.**

#

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **1** | **دکتر ثریا مکنون ، مریم صانع پور، بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام و.... ، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی** | **چاپ** **چهارم 1374** |
| **2** | **اسدالله جمشیدی ، غلامعلی عزیزی کیا،حسن زارع واحمد طاهری نیا ، زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی: جستاری درهستی شناسی زن ، قم ، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله** | **چاپ** **سوم 1388**  |
| **3** | **علامه سید محمد حسین طباطبایی ، زن در قرآن ، قم،مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران ، مرکز نشر هاجر** | **1387** |
| **4** | **فریبا علاسوند ، زن در اسلام ، قم ، حوزه علمیه قم ، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران ، مرکز نشر هاجر**  | **چاپ** **اول 1390** |
| **5** | **علامه سید محمد طباطبایی ، زن در اسلام ، قم ، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی** | **1384** |
| **6** | **جمعی از خواهران طلبة حوزه های علمیه ، زن از دیدگاه ادیان و مکاتب ، قم** | **1379** |
| **7** | **جوادی آملی ، عبدالله ، زن در آیینه جمال و جلال ، نشر اسراء**  | **چاپ** **اول** **ص 21** |
| **8** | **مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی ، بحار‌الانوار ، بیروت ، مؤسسه‌ الوفاء** | **چاپ** **سوم 1403ق** **ص 597** |
| **9** | **حر عاملی ، محمد حسن ، وسائل‌الشیعه ، قم ، مؤسسه‌ی آل‌البیت** | **چاپ** **اول 1366** **ص 25** |
| **10** | **مظاهری ، حسین ، اندیشه‌های ناب: سیمای زن در اسلام ، مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعاتی الزهرا** | **1391****ص 19** |
| **11** | **محمدی اشتهاردی ، پوشش زن دراسلام ، ص 45، قم ، نمونه** | **چاپ** **چهارم 1368** |

**منابع:**

جایگاه زن دراسلام

1. 1. محمدحسین طباطبایی ، المیزان ، ج 4، ص 134 [↑](#footnote-ref-1)
2. 2. نهج البلاغه ، نامه 31 [↑](#footnote-ref-2)
3. 3. شهید مرتضی مطهری ، نظام حقوق زن در اسلام ، ص 118 [↑](#footnote-ref-3)
4. 4. طه ،120 [↑](#footnote-ref-4)
5. 5. لقمان ، 14، احقاف ، 15 و... [↑](#footnote-ref-5)
6. 6. اسراء ، 23 [↑](#footnote-ref-6)
7. 7. نساء ، 34 [↑](#footnote-ref-7)
8. 8. توبه ، 71 [↑](#footnote-ref-8)
9. 9. نمل ، 33 [↑](#footnote-ref-9)
10. 10. «الحمد لله المتجلی لخلقه بخلقه» ، نهج البلاغه ، خطبه 108 [↑](#footnote-ref-10)
11. 11.جوادی آملی ، عبد الله ، زن در ایینه جمال و جلال ، ص21 ، نشر اسراء ، چاپ اول [↑](#footnote-ref-11)
12. 12. زمر، 6 [↑](#footnote-ref-12)
13. 13. ملک ، 23 [↑](#footnote-ref-13)
14. 14. ابن خلدون ، عبد الرحمن ، مقدمه ابن خلدون ، ج2، ص860 [↑](#footnote-ref-14)
15. 15. حجرات ، 13 [↑](#footnote-ref-15)
16. 16. نحل ، 97 [↑](#footnote-ref-16)
17. 17. بقره ، 161 [↑](#footnote-ref-17)
18. 18. تحریم ، 11 [↑](#footnote-ref-18)
19. 19. تحریم ، 10 [↑](#footnote-ref-19)
20. 20. نهج البلاغه ، ،نامه 31 [↑](#footnote-ref-20)
21. 21. جامع الاحادیث الشیعه ، ج 21 ، ص428-429 [↑](#footnote-ref-21)
22. 22. نهج البلاغه،کلمات قصار 266 پ بهار الانوار،ج 103،ج 42 [↑](#footnote-ref-22)
23. 23. زخرف ، 17 [↑](#footnote-ref-23)
24. 24. طبرسی،حسن بن فضل ،مکارم الاخلاق ،نشر رضی ،قم،1412ق،ص115 [↑](#footnote-ref-24)
25. 25. همان ،ص116 [↑](#footnote-ref-25)
26. 26. قائمی ،علی، دنیای بلوغ ،سازمان ملی جوانان ،تهران ،1380 ،ص89 [↑](#footnote-ref-26)
27. 27. الهندی ،علاء الدین ،کنز العمال ،بیروت ،موسسه ی الرساله ،1413 ق،ص193 [↑](#footnote-ref-27)
28. 28. قصص ،11و 12 [↑](#footnote-ref-28)
29. 29. نیکو برش ، فرزانه ، هجرت کریمه: بررسی دوران امام رضا (ع) و علل هجرت حضرت معصومه (س)،قم ، فجر ولایت ،1381 ، ص92 [↑](#footnote-ref-29)
30. 30. شاکری ، صدیقه ، زندگانی حکیمه خاتون ، مجله ی انتظار موعود ، شماره 22 [↑](#footnote-ref-30)
31. 31. مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی ، بهار الانوار ، بیروت ، موسسه الوفاء ، چاپ سوم ،1403 ق ، ص597 [↑](#footnote-ref-31)
32. 32. حر عاملی ، محمد حسن ، وسائل الشیعه ، قم موسسه ی آل البیت ، چاپ اول ،1366 ، ص 25 [↑](#footnote-ref-32)
33. 33. بقره ،187 [↑](#footnote-ref-33)
34. 34. علاسوند ، همان ،ص 94 [↑](#footnote-ref-34)
35. 35. مظاهری ، حسین ، اندیشه های ناب : سیمای زن در اسلام ، موسسه ی فرهنگی مطالعاتی الزهرا ، 1391 ، ص19 [↑](#footnote-ref-35)
36. 36. خامنه ای ، همان ، ص 239 [↑](#footnote-ref-36)
37. 37. آل عمران ، 195 [↑](#footnote-ref-37)
38. 38. البقره ، 286 [↑](#footnote-ref-38)
39. 39. حسین بشیریه ، جامعه شناسی سیاسی ، ص293 [↑](#footnote-ref-39)
40. 40. غافر ، 90 [↑](#footnote-ref-40)
41. 41. مدثر ، 38 [↑](#footnote-ref-41)
42. 42. مرتضی مطهری ، پیرامون انقلاب اسلامی ، ص104 [↑](#footnote-ref-42)
43. 43. محمد تقی مصباح یزدی ، پرسش ها و پاسخ ها ، ج 5 ، ص30 [↑](#footnote-ref-43)
44. 44. نحل ، 97 [↑](#footnote-ref-44)
45. 45. توبه ، 72 [↑](#footnote-ref-45)
46. 46. آل عمران ،95 [↑](#footnote-ref-46)
47. 47. ترجمه المیزان ،ص 240وج 19 ،ص223و247 [↑](#footnote-ref-47)
48. 48. نوح ، 17 [↑](#footnote-ref-48)
49. 49. عبد الله جوادی آملی ، زن در آیینه جمال و جلال ، ص216-217 [↑](#footnote-ref-49)
50. 50. توبه ، 105 [↑](#footnote-ref-50)
51. 51. محمدی ار شتهادی ، پوشش زن در اسلام ، ص 45 ، نمونه ، چاپ چهارم ، 1366 [↑](#footnote-ref-51)
52. 52.جستاری در هستی شناسی زن ، اسد الله جمشیدی و... ، ص77به بعد [↑](#footnote-ref-52)
53. 53.شهید مطهری ، مسئله حجاب ، ص203 -209 [↑](#footnote-ref-53)
54. 54. رساله مراجع تقلید ، بحث نگاه [↑](#footnote-ref-54)
55. 55. علامه مجلسی ، بحار الانوار ،ج80 ، ص371 ، ح32 [↑](#footnote-ref-55)
56. 56.حر عاملی ، وسائل الشیعه ، مجلدات 30 ، ج20، ص24 [↑](#footnote-ref-56)